

مبارک و کم‌یاب

در باره مدرسه تابستانه فلسفه پزشکی



امیرحسین موسوی
دکترای فلسفه علم و
فناوری

در جهان برنامه‌های پژوهشی معمول است (Research Programs)؛ به این معنا که پروژه‌های تحقیقاتی آغاز می‌شود و برای مثال در ۱۵۰ سال، نسل‌هایی از اساتید و دانشمندان و دانشجویان می‌آیند و می‌روند و کار ادامه پیدا می‌کند و محصولات و دستاوردها در طول ده‌ها سال حول یک موضوع پژوهشی ادامه پیدا می‌کند، اما در کشور ما چنین کارهای علمی پژوهشی پایداری بسیار کم است. من خیلی خوشبینم که درباره فلسفه پزشکی در ایران چنین اتفاقی بیفتد. نقشی که دکتر علیرضا منجمی به عنوان بنیان‌گذار اصلی حلقه فلسفه پزشکی دارد، نمونه مشابه کمی در ایران دارد. سطح همکاری اساتید در ایران حتی در یک دپارتمان بسیار کم است اما در حلقه فلسفه پزشکی و مشخصاً تابستانه فلسفه پزشکی، اساتیدی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، موزه علوم پزشکی، دانشگاه کینگز کالج لندن و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات مشارکت داشتند. این یعنی حلقه همکاری در حال گسترش است. ۱۵-۱۰ سالی است که این پروژه به همت این عزیزان شروع شده و تداوم یافته و محصولات متنوعی هم دارد؛ از کتاب و مقاله تا دانشجوی دکتری و پایان‌نامه و این هم اولین رویداد که با استقبال بسیار خوبی مواجه شد.

نکته مهم دوم پل زدن بین شکاف‌هاست که در بستر پزشکی در حال رخ دادن است. برای تحصیل شناخت در حوزه دانش پزشکی و سلامت به دلیل وسعت و عمق توأمشان، به مجموعه‌ای از دانش‌ها و تجارب بشری در حیطه‌های مختلف نیاز داریم. کمتر زمینه‌ای هست که این ظرفیت را داشته باشد که بتواند افراد مختلف از حیطه‌های مختلف دانش را گرد هم جمع کند. من به شخصه رویدادی تاکنون در ایران ندیده‌ام که در میان مخاطبان، پزشک، دندانپزشک، داروساز، مورخ، فیلسوف، جامعه‌شناس و انسان‌شناس، حضور داشته باشند. دموگرافی جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد، هم گروه‌های سنی متنوعی و هم رشته‌های مختلفی در رویداد حضور داشتند. تعداد افراد گروه پزشکی هم با افراد علوم انسانی برابر بودند. گفت‌وگوی میان این گروه‌ها نیز در وضعیتی که بسیاری از آمیزه شدن افراد و تخصص‌ها در جامعه ایران سخن می‌گویند، بسیار ارزشمند است.

بعد اجتماعی این رویداد هم اهمیت دارد. فضای یأس معناداری در آکادمی ایران شیوع دارد. در چنین فضای وقتی کاری علمی در حد استانداردهای جهانی انجام می‌شود و خروجی‌های پژوهشی نیز دارد، بسیار مهم است. این رویداد غیردولتی بود و بودجه خاصی نداشت و بنابراین حتی پذیرایی معمول هم ممکن نبود. با این حال مخاطبان گسترده و علاقه‌مند چهار هفته در روزهای پنجشنبه و جمعه روزی ۸ ساعت وقت اختصاص می‌دادند. این داستان موفقیت فضای امید تولید می‌کند. در ایران مدام داستان موفقیت سرکوب می‌شود و فضای ناامیدی غالب شده است. همه از فشل بودن دولت و دانشگاه و صنعت و سلامت و رسانه سخن می‌گویند. همین روایت‌ها هم هست که در رسانه‌ها توجه جلب می‌کند و خودش به این فضا دامن می‌زند. مدرسه تابستانه فلسفه پزشکی یک کار موفق دانشگاهی در ایران است و یک داستان موفقیت است که باید با صدای بلند به دست‌اندرکاران آن دست‌میزان بگویم.

وجه مهم دیگر این رویداد غیردولتی بودن آن است. در اقتصادی نفتی، نهادی مستقل از دولت به طور خودجوش این رویداد را پیش برد. این اتفاقی کمیاب است و خودش می‌تواند باعث شکل‌گیری همکاری‌هایی مستقل از دولت در آینده بشود. در ایران همه منتظرند کسی از دولت و حاکمیت بیاید و مسئولیت همه امور بر گردن نهادهای دولتی گذاشته می‌شود. چنین رویدادهایی اما جامعه ایران را قدرتمندی‌کند.

اتفاق مهم دیگری هم در این رویداد رخ داد و آن حضور بخش خصوصی در آن بود. خوشبختانه برندهای نامدار و بخش‌های پیشرو در حوزه اقتصاد دیجیتال ایران دارند به چنین رویدادهایی ورود می‌کنند. آنها اینک به این فکر می‌کنند که این ماجرا را بخشی از فعالیت‌های روابط عمومی و برندینگ خود قرار بدهند و در کنار تبلیغات مرسوم، با فعالیت‌هایی این چنینی تصویری قابل اعتمادتر و خوشام‌تر از خود بسازند. این همکاری و هم‌افزایی هم اتفاق مبارکی است و بیش‌باد.

سلامت و تاریخ پزشکی هم از مباحث پایه‌ای بود که در این مدرسه تدریس شد. مطالب پایه در فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی به گونه‌ای سامان‌دهی شد که مرتبط با پزشکی باشد از این‌رو در فلسفه علم بر مشاهده علمی و روش علمی تأکید شد و در فلسفه تکنولوژی، سواد تکنولوژی و سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی مورد تأکید قرار گرفتند. در کنار آن به مباحثی همچون تفکر فلسفی، منابع علوم انسانی سلامت و نحوه نگارش مقالات آن هم اشاره شد.

در این مدرسه طیف وسیعی از شرکت‌کنندگان داشتیم؛ از متخصصان بالینی در پزشکی و دندانپزشکی تا متخصصان در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی مانند فلسفه علم، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. با آنکه این طیف وسیع از مخاطبان یک سرمایه برای مدرسه فلسفه پزشکی محسوب می‌شود که می‌تواند به گفت‌وگوها و مباحثات این غنا و عمق ببخشد از سوی دیگر به دلیل پس‌زمینه‌های مختلف شرکت‌کنندگان، کار را برای مدرسان دشوار می‌کرد چون مطالبی که برای گروهی از مخاطبان بدیهی بود برای گروهی دیگر دشوار و غامض بود. چالش دیگر آن بود که از آنجا که این مدرسه مقدماتی بود طیف وسیعی از مطالب ارائه می‌شد که برخی برای گروهی جذاب بود و برای گروه دیگر جذابیتی نداشت. از سوی دیگر امکان ورود به بحث‌های تخصصی نبود و فقط نقش انگیزه‌دهی و آشنا کردن مخاطبان با مباحث را داشت که قرار است در مدارس آینده تکمیل شود. انتظار ما این است که در میان این مخاطبان، بسته به حرفه و جایگاه خود، گروهی به سمت پژوهش‌های جدی در فلسفه پزشکی کشیده شوند، گروهی دیگر آن را در طبابت و مراقبت از بیمار به کار گیرند، گروه دیگر آن را در آموزش دانشجویان استفاده کنند و گروهی دیگر به ترویج آن در جامعه بپردازند. به نظر می‌رسد برای مدارس آینده می‌توان برای هر کدام از سه شاخه فلسفه پزشکی یعنی فلسفه علوم زیست‌پزشکی، فلسفه پزشکی بالینی و فلسفه پزشکی اجتماعی مدارس جداگانه‌ای ترتیب داد.

آیا در این مدرسه، بحث اقتصاد سلامت هم مطرح شد؟

علیرضا منجمی: البته شاید به‌طور تخصصی نه چون اقتصاددانی در میان ما نبود، و به‌نظر در برنامه‌های بعدی از متخصصان اقتصاد سلامت باید بهره گرفت. اما خیلی از این مباحث نظیر طبی‌سازی (medicalization) یا زیست‌سیاست که در حوزه فلسفه پزشکی اجتماعی قرار دارند، کاملاً با بحث‌های اقتصادی مرتبط هستند. برای نمونه مطالعه‌ای هست که در مدرسه نیز بدان اشاره شد. پیتر کنراد جامعه‌شناس از یک پژوهش، گردش مالی میلیاردها دلار طبی‌سازی در آمریکا را نشان می‌دهد. یکی از گرفتاری‌های ما در ایران، فقدان این داده‌هاست. علاوه بر اقتصاد سلامت، مدیریت سلامت و مباحثی همچون علوم سیاسی و سلامت و الاهیات و سلامت هم حوزه‌های بسیار جذابی در علوم انسانی سلامت هستند که باید بیشتر به آنها پرداخته شود. البته همان‌طور که پیشتر هم گفته شد تمرکز مدرسه بر فلسفه پزشکی و مباحث مرتبط با آن بود.

آیا این یک برنامه صرفاً ترویجی است یا آن را به عنوان یک برنامه پژوهشی می‌بینید؟

علیرضا منجمی: با آنکه بخشی از برنامه‌های حلقه فلسفه پزشکی برای ترویج و عمومی‌سازی فلسفه پزشکی در ایران است، اما ما آن را به شکل یک برنامه پژوهشی کلان و درازمدت می‌بینیم. در این برنامه پژوهشی رساله دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، طرح‌های پژوهشی، نگارش کتاب و مقالات علمی پژوهشی، برگزاری نشست‌های تخصصی و همایش و تربیت پژوهشگر مدنظر است و در بسیاری از این حوزه‌هایی که ذکر شده آثار بسیاری انتشار یافته است و امید داریم این راه در آینده هم با قوت ادامه یابد. اگر به سایت فلسفه پزشکی به عنوان آینه فعالیت‌های حلقه فلسفه پزشکی بنگرید مشخص می‌شود که آثار انتشار یافته تنها ترجمه آثار دیگران نیست، بلکه بخشی بزرگی از آن حاصل پژوهش‌های اعضای حلقه است. تقویت بعد بین‌المللی همچون راه‌اندازی سایت انگلیسی، برگزاری کارگاه‌های و دوره‌های مشترک با مراکز معتبر جهان از، انتشار کتاب و مقاله مشترک دیگر برنامه‌های حلقه فلسفه پزشکی خواهد بود.

تلاش ما در حلقه فلسفه پزشکی این است که بتوانیم گامی در راه ارتقاء سلامت جامعه برداریم. این ممکن نمی‌شود مگر آنکه بستری برای گفت‌وگوی اصیل میان رشته‌ای میان تخصص‌های مختلف ممکن شود. اقبال به مدرسه تابستانه فلسفه پزشکی دلگرم‌کننده ما در ادامه این راه است.

پی‌نوشت‌ها:

1- Shapiro, J., Coulehan, J., Wear, D., & Montello, M. (2009). Medical humanities and their discontents: definitions, critiques, and implications. *Academic medicine: journal of the Association of American Medical Colleges*, 84(2), 192-198.
2- chrome-extension://efaidnbmnnnibpcajpc-gclefndmckaj/https://repub.eur.nl/pub/32004/monajemi.pdf
3- Monajemi, A., & Namazi, H. (2020). Health lag: medical philosophy reflects on COVID-19 pandemic. *Journal of medical ethics and history of medicine*, 13, 28. <https://doi.org/10.18502/jmehm.v13i28.5045>

دیگر معمولاً رویکردهای محافظه‌کارانه‌تری دارند. پزشکان افشاگران خوبی برای کاستی‌ها و نقصان‌های پزشکی بوده‌اند. این قوت پزشکی هستند. فلسفه پزشکی هم در واقع می‌کوشد این نقدها و تنش‌ها را از سطحی که ممکن است منجر به بحران‌های عمیق و تنش‌های سیاسی و اقتصادی و درون حرفه‌ای بشود به سطحی نظری و گاه قابل حل و گاه قابل تأمل و توضیح‌پذیر می‌رساند. تنش وقتی توضیح‌پذیر بشود، قابل مدیریت می‌شود. این یکی از ده‌ها کاربست فلسفه پزشکی است.

علیرضا منجمی: استقبال از المپیاد علمی فلسفه پزشکی در میان دانشجویان علوم پزشکی و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و ترکیب شرکت‌کنندگان در مدرسه تابستانه امسال که اکثراً پزشک و دندانپزشک بودند نشان از آن دارد که جامعه پزشکی از این مباحث انتقادی استقبال می‌کند و آن را برطرف‌کننده نیاز خود و به‌مثابه راهی برای ارائه خدمات بهتر به جامعه می‌پندارند. مرتون جامعه‌شناس علم می‌گوید نهاد علم یعنی نهاد نقد سازمان‌یافته. فلسفه پزشکی نقدهای بسیار جدی به پزشکی رایج وارد می‌کند، و این ممکن است به‌غلط به‌عنوان مجال دادن به طب‌های مکمل و جایگزین تلقی شود. البته گاهی اصحاب طب‌های مکمل و جایگزین هم نقدهای فیلسوفان پزشکی را مصادره به مطلوب می‌کنند. کوشش ما این است که نشان دهیم فلسفه پزشکی و نقدهای آن به‌هیچ‌وجه نباید به‌عنوان جاده‌صاف‌کن فعالیت‌های غیرعلمی و شایدانه پنداشته شود. این سوءفهم‌ها از فلسفه پزشکی که حاصل بوروکراسی حاکم، ذوق‌ورزی گروهی از اعضای جامعه پزشکی و مصادره به مطلوب آن است، تهدیدهای جدی برای حوزه فلسفه پزشکی محسوب می‌شوند.

آیا حذف حیطه فلسفه پزشکی و علوم انسانی سلامت از المپیاد دانشجویان علوم پزشکی کشور را می‌توان در همین راستا فهم کرد؟

علیرضا منجمی: بله با شما موافقم. نوعی تخصص‌سالاری و دست‌بالای پزشکان بالینی در ساختار وزارت بهداشت یکی از موانع جدی است. همه چیزدانی و عمل‌زدگی در حوزه سیاست‌گذاری کلان از عواملی است که به علوم انسانی سلامت و فلسفه پزشکی هم آسیب جدی وارد کرده است. همه چیزدانی و ذوق‌ورزی سبب شده است در حوزه علوم انسانی سلامت، افراد ناآگاه اظهارنظر کنند. عمل‌زدگی این مدیران همواره خود را در قالب این مغالطه «اگر راه‌حل سریع و جایگزینی ندارید پس نقدهایتان اعتباری ندارد» نمایان می‌کند. متأسفانه حیطه فلسفه پزشکی المپیاد از همین نگاه‌های نادرست آسیب دید.

حمیدرضا نمازی: بله با این تفاسیر، مشکلی که ما در فلسفه پزشکی داریم یکی شناخت اندک مدیران ارشد میانی وزارت بهداشت نسبت به مسائل جدید حوزه علوم انسانی سلامت است؛ مدیرانی که حتی یک کتاب در زمینه علوم انسانی سلامت و فلسفه پزشکی نخوانده‌اند، اما بی‌مهایا در باره این موضوعات نظر می‌دهند. برای همین می‌بینید بعد از ۱۰ سال، در دولت سیزدهم المپیادی که این قدر از آن استقبال شده بود، ناگهان با تصمیم خلق الساعه همین مدیران ناآگاه به یک‌باره تعطیل می‌شود بدون آنکه دلایل مشخصی برای آن اعلام شود. گرفتاری همین تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌های است. اینجا فقط افسوس باید خورد که حوزه اداری و بوروکراتیک و آن حوزه متولی سلامت، درک درستی از این مباحث نظری و تحلیلی ندارد. گرفتاری این است که هر جا بحثی نظری پیش می‌آید، در پاسخ گفته می‌شود که به‌این صحبت‌ها خوب است اما برای کنج‌خانه و راهروهای دانشگاه‌ها، عمل‌زدگی در اینجا مطرح است. در کنار آن برخی در جامعه پزشکی تصویری که از مباحث علوم انسانی دارند، شبیه امور فوق برنامه است.

علیرضا منجمی: البته حساب پزشکان و سایر مراقبان سلامت که نگاه عمیق به علوم انسانی سلامت دارند از این گروه ناآگاه سواست. در همین مدرسه، اقبال پزشکان و دندانپزشک به این بحث فراتر از تصور معمول است. هنوز هم دانشجویانی که در سال‌های گذشته در المپیاد فلسفه پزشکی شرکت کرده بودند و بسیاری از آنها از رشته‌های تخصصی بالینی فارغ‌التحصیل شده‌اند پیگیر این حوزه هستند و این نشان می‌دهد که این مباحث را می‌توان پررونق‌تر در بیرون از قید و بندهای بوروکراتیک پی‌بگیریم.

برگردیم به مدرسه فلسفه پزشکی. چه موضوعاتی در مدرسه تدریس شد و شرکت‌کنندگان چه کسانی بودند؟

علیرضا منجمی: این مدرسه می‌کوشید چشم‌اندازی از فلسفه پزشکی و حوزه‌های مرتبط با آن ارائه کند. فلسفه پزشکی در سه حوزه فلسفه پزشکی بالینی، فلسفه پزشکی اجتماعی و فلسفه علوم زیست‌پزشکی توسط مدرسان دوره تدریس شد. در فلسفه پزشکی بالینی به مباحثی همچون استدلال و تصمیم‌گیری بالینی و مواجهه بالینی یعنی ارتباط پزشک و بیمار پرداختیم. در فلسفه پزشکی اجتماعی به مبحث طبی‌سازی یا تبدیل وضعیت‌های انسانی به مسائل پزشکی اشاره شد. در فلسفه علوم زیست‌پزشکی مباحثی در نقد پزشکی مبتنی بر شواهد، اثر دارونما و بحران تکرارپذیری ارائه گردید. فلسفه علم و تکنولوژی، علوم انسانی

علیرضا منجمی:

مرتون جامعه‌شناس

علم می‌گوید نهاد

علم یعنی نهاد نقد

سازمان یافته. فلسفه

پزشکی نقدهای

بسیار جدی به

پزشکی رایج وارد

می‌کند، و این

ممکن است به‌غلط

به‌عنوان مجال دادن

به طب‌های مکمل و

جایگزین تلقی شود.

البته گاهی اصحاب

طب‌های مکمل و

جایگزین هم نقدهای

فیلسوفان پزشکی را

مصادره به مطلوب

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

می‌کنند

حضوری و مجازی ثبت‌نام کرده باشند. این نشان می‌دهد وضع در حال چرخیدن بر پاشنه دیگری است و رغبت به علوم انسانی در میان اصحاب حوزه پزشکی نیز افزون شده است. این رغبت را البته الان نمی‌توان پیش‌بینی کرد که به کجا می‌رسد ولی به نظر من بخشی از نقدها به طبابت و مراقبت بیمار با چنین کوشش‌هایی تا حدودی مرتفع خواهد شد. اما برنامه ما فراتر از این است. برای نمونه یکی از فعالیت‌هایی که در پانزده سال اخیر انجام گرفته، آشنایی بچه‌های پزشکی در قالب فلسفه پزشکی و علوم انسانی سلامت با مفاهیم فلسفه علم و فلسفه فناوری بوده است. به خاطر داشته باشید ما سال‌هایی برنامه‌های متراکم و فشرده و سنگین هوش مصنوعی برگزار می‌کردیم که هوش مصنوعی مد نبود. بنابراین دغدغه‌های فلسفه پزشکی بیشتر آینده‌نگرانه بوده است و به‌رغم اینکه به تاریخ بها می‌دهد اما آن تاریخی که در فلسفه پزشکی هست، به قول کوژلک تاریخ برای آینده است. ما علم تاریخ را مطالعه می‌کنیم تا بتوانیم آینده را محک بزینیم.

چندر تلاش شده که این فعالیت‌ها برای عموم مردم بازگوشود؟

حمیدرضا نمازی: ما البته اهل هیاهو نیستیم و جنس فعالیت در علوم انسانی هم آرام و با طمأنینه است اما با مراجعه اشاره به سایت فلسفه پزشکی (www.philosophyofmedicine.com) می‌توانید به میزان فعالیت، گستردگی و غنای فعالیت‌های انجام‌شده پی ببرید. در جست‌وجوی گوگل به فارسی با کلیدواژه فلسفه پزشکی اکنون این سایت در صدر قرار دارد. طیف وسیعی از نویسندگان از پزشکان بالینی تا متخصصان تاریخ و فلسفه علم در این سایت به تولید آثار علمی مشغول‌اند.

علیرضا منجمی: در این میان همکاری دکتر امیر حسن موسوی با حلقه فلسفه پزشکی هم بسیار کلیدی بود. ایشان دانشجوی ما در گروه فلسفه علم و تکنولوژی پژوهشگاه علوم انسانی بودند و رساله دکتری‌اشان که به تحلیل مناقشه علم و شبه‌علم در حوزه سلامت می‌پرداخت، اثر پژوهشی بدیعی در حوزه فلسفه پزشکی در ایران است و مورد استقبال محافل علمی قرار گرفت. سابقه طولانی دکتر موسوی در حوزه ترویج علم به‌ویژه در یادکست فلسفه علم سبب شد که مخاطبان بیشتری با حوزه فلسفه پزشکی آشنا شوند و یادکست فلسفه علم بی‌اغراق یکی از مدیوم‌های بسیار مؤثر در ترویج آموزه‌های فلسفه پزشکی در ایران بوده است.

بحث‌های فلسفه پزشکی مسلمانان به مباحث رسانه و سلامت بسیار مرتبط است. بخشی از مباحثی که در این حوزه هم به خبرنگاران حوزه سلامت بازمی‌گردد.

حمیدرضا نمازی: البته در بحث رسانه، یک مشکلی که دیده می‌شود، نبود یا کمبود خبرنگار تخصصی علم یا آموزش یا پژوهش علم اعم از مهندسی و پزشکی است. حجم انبوهی از پژوهش‌ها وجود دارد. در همه جهان دسترسی محدودشده‌ای به پژوهش‌ها وجود دارد. خبرنگاران تخصصی این پژوهش‌ها را دنبال می‌کنند و نتایج و هزینه‌های آن را می‌سنجند. چقدر مثلاً رسانه ملی نیازمند فهم این مسائل است. رسانه ملی نمی‌داند طبی‌سازی چیست اما صبح تا شب طبی‌سازی می‌کند. اضطراب سلامت را نمی‌شناسد اما از صبح تا شب با تولید برنامه‌های حوزه پزشکی اضطراب سلامت را دامن می‌زند.

علیرضا منجمی: کار و کسب پررونقی است. تهیه‌کنندگان تلویزیون رغبت زیادی به تولید این نوع برنامه‌ها دارند زیرا نه‌تنها هزینه تولید آن بالا نیست بلکه برعکس روال رایج، مهمانان حاضر به پرداخت هم هستند. این برنامه‌های تلویزیونی شبیه بیلبوردهای شهری عمل می‌کنند و در فرایند کالایی شدن سلامت نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

حمیدرضا نمازی: پرسش شما نشان می‌دهد که فلسفه پزشکی فقط بحث‌های انتزاعی فنی و فلسفی نیست بلکه بخش زیادی از فلسفه پزشکی همین مسائل است. چندی پیش در پتل اخلاق پزشکی از نظر تا عمل به همین نکته اشاره کردم که اگر می‌خواهیم اخلاق پزشکی را از نظر تا عمل ببریم، آن بخش عملش، فهم فلسفه پزشکی است. به‌ظاهر شاید خنده‌دار جلوه کند که چطور با فهم فلسفه پزشکی می‌توان در عمل موفق بود اما واقع امر آن است که فلسفه پزشکی بیش از آن که در زمین نظر نشسته باشد، در زمین عمل نشسته است.

آیا فلسفه پزشکی به‌واسطه رویکرد انتقادی که به پزشکی دارد با واکنش منفی خود جامعه پزشکی مواجه نمی‌شود؟

حمیدرضا نمازی: آنچه شما بدان اشاره می‌کنید نزاع دیرینه‌ای است که برمی‌گردد به سرشت پزشکی. آن گونه که فیلسوفان پزشکی صورت‌بندی می‌کنند پزشکی در بحران است، اما نکته مهم در این بحث این است که پزشکان در نشان دادن و پرداختن به این بحران سهم مهمی ایفا کرده‌اند. پزشکی خودکنترلی، خودارزیابی و خودانتقادی دارد. ممتازترین پزشکان ما از بدو تشکیل نظام پزشکی دادستان‌های ما بودند. این نشان می‌دهد پزشکی مدام منتقد خودش است. رشته‌های

